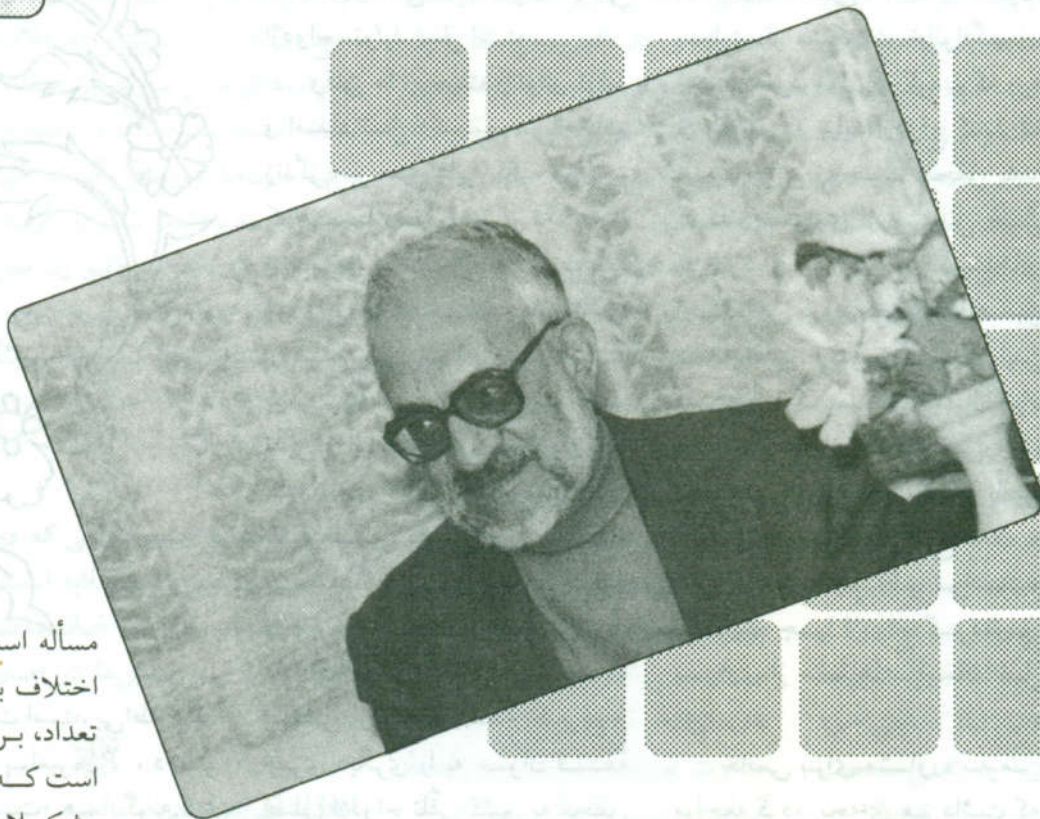




مسأله است که موجب بروز اختلاف بین اینها می‌شود. از این تعداد، برخی ریشه‌ای و اصولی است که اگر حل شود بیش‌تر مشکلات خودبه‌خود برطرف می‌گردد. مهم‌ترین آسیبی که امروزه خانواده‌های را تهدید می‌کند، مشخص نبودن فلسفه ازدواج برای زن و مرد است.

در روان‌شناسی، بحثی مطرح است که می‌گویند: «چگونه زیستن تابع چرا زیستن است؟»؛ یعنی، جواب «چرا»های زندگی در «چگونه»هاست. اگر از زن یا مردی سؤال کنیم که چرا ازدواج کرده‌اید، پاسخی که می‌دهند قالب زندگی آنها را می‌سازد. اما مشکلی که امروزه با آن مواجهیم، این است که اگر از آنها بپرسیم چرا ازدواج می‌کنید، از فلسفه اصلی از ازدواج،

گفتگوی تربیتی آسیب‌های خانواده

اشاره

استاد نبی صادقی از پیش‌کسوتان تعلیم و تربیت و چهره‌های آشنا و صمیمی مشاوره با سابقه‌ای که از برگزاری دوره مشاوره در جمع خانواده‌های کارکنان و دانش‌پژوهان این مؤسسه دارند، در اولین شماره از این نشریه، دعوت برادران کوچک خود را اجابت کردند و در گفتگویی دوستانه به سؤالات تربیتی ما پاسخ گفتند. ضمن تشکر از ایشان، حاصل این گفت و شنید را به مخاطبان گرامی تقدیم می‌داریم:

دیدار:

مهم‌ترین آسیب‌هایی که امروزه خانواده‌ها را تهدید می‌کند، کدام است؟

استاد نبی صادقی:

براساس تحقیقات متعددی - چه نظری و چه میدانی - که من خودم درباره اختلافات زن و مرد در خانواده انجام داده‌ام، قریب نود



مرحوم علامه طباطبائی، همه تمتعات جنسی اند؛ غایت اصلی ازدواج، تولید نسل است.

وقتی ما زوجیت را برای تولید و امتداد نسل دانستیم، در انتخاب زندگی، بر معیارهایی تکیه می‌کنیم که نسل ما را سالم نگه‌دارد. توصیه‌هایی که اسلام درباره صفات موروثی همسر می‌کند، همه ناشی از همین مسأله است. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند که به دلیل تدبیر و ایمان با همسری ازدواج کنید، نه به دلیل مال و جمالش^(۱) به همین دلیل است. اسلام می‌خواهد به ما بفهماند، که رسالت زوجین بر این اساس است.

اگر ما از این فرهنگ و هدف اصلی ازدواج فاصله بگیریم و چیزی دیگری را به عنوان فلسفه اصلی ازدواج تلقی کنیم، به محض رو به رو شدن با کمبودی جزئی دچار اختلاف می‌شویم با زن و مرد و همدیگر را با پول، تمتعات حیوانی، زرق و برق و چیزهایی مانند آن ارزیابی می‌کنند. در نتیجه، می‌بینیم بسیار اتفاق می‌افتد که مرد به دلیل اینکه وضع مالی خوبی نداشته، زنش به او می‌گوید: «اگر می‌خواستم قناعت کنم، در خانه پدرم می‌ماندم! اگر می‌خواستم لباس ساده بپوشم، با تو ازدواج نمی‌کردم!» چنین زنی فلسفه ازدواج را نفهمیده است. در صورتی که اگر به فرض، پدر ثروتمندی هم می‌داشت، برای ازدواج هم کسی جز شوهر متدبیر فقیر پیدا نمی‌شد، باید با او ازدواج می‌کرد. ما اگر بتوانیم این فرهنگ را که

«ازدواج، یک ضرورت است، نه معامله دلخواه» اشاعه دهیم، بسیاری از مشکلات خانوادگیمان رفع می‌شود. اگر باور کردیم که مرد و زن، هر دو باید ازدواج کنند تا هدف غایی زوجیت تحقق پیدا کند، بسیاری از مسائل حل می‌شود. ریشه عمده آسیب‌های اجتماعی در درجه اول، همین مسأله است. وقتی زن و مرد این فلسفه را درک نمی‌کنند، دنبال ایراد و بهانه گرفتن از یکدیگر می‌روند، بخصوص اگر تمتعات دیگر تأمین نگردد. ما معمولاً در پاسخ دادن به «چرا»ها ناتوانیم. اگر توانستیم بگوییم چرا ازدواج کرده‌ایم، بسیاری از معماها برایمان حل می‌شود.

خانمی برای مشاوره به من مراجعه کرده. بچه‌ای هم داشت که با خود آورده بود. از ظاهر او معلوم بود که مشکل مادی ندارد. وقتی صحبت کردیم، معلوم شد تحصیل کرده هم هست؛ اما از شوهرش شکایت داشت. می‌گفت، شوهرم بی‌عفت است. گفتم: مگر موقع ازدواج تحقیق نکردید؟ گفت: «ما هر چه مهریه را بالاتر گرفتیم، قبول کرد. گفتیم: مراسم در تالار باشد، پذیرفت. ماشین آخرین مدل هم زیر پایش بود. چون دیدیم وضع مادیش خوب است، دیگر درباره چیزی بحث نکردیم.»

دیدار:

به نظر حضرت‌عالی، زمینه‌های وجود چنین آسیب‌هایی در خانواده چیست؟

که یک ضرورت است، بی‌اطلاعند. به تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله، دختر به منزله میوه است؛ همان‌گونه که وقتی میوه می‌رسد، باید آن را از درخت چید و گرنه تابش آفتاب و وزش بادهای آن را فاسد می‌گرداند؛ دختران نیز وقتی به سن رشد می‌رسند، باید آنان را شوهر داد و گرنه از آفات در امان نخواهند ماند.^(۱) متأسفانه اما معمولاً به چنین نکات مهمی توجه نداریم. یا مثلاً، اگر از پسری سؤال کنیم که چرا ازدواج کرده است، عواملی از قبیل غریزه، وصلت، امکانات مادی، تمتعات جنسی و مانند آن رامطرح می‌کند. اما واقع این است که فلسفه زوجیت درجهان خلقت، برای ازدواج است، ازدواج هم برای تولید نسل است. به عبارت دیگر، مثلث خانواده دارای سه ضلع است: زن، مرد، فرزندان. به قول

استاد نبی صادق:

چنین آسیب‌هایی که ممکن است حتی پس از بیست سال بروز کنند، دلیل اصلی‌شان همان عدم توجه به فلسفه ازدواج است. چه بسا ممکن است در مواردی، برخی از این آسیب‌ها فروکش کنند، ولی پس از مدتی، به شکل جدیدی در زندگی مطرح می‌شود و استحکام خانواده را متزلزل می‌سازد. در حال حاضر،

می‌بیند، به آن حضرت عرض می‌کند: چرا به علی علیه السلام نمی‌گویید تا چادر بهتری برای شما تهیه کند؟ پاسخ می‌دهند: «می‌ترسم از شوهرم چیزی بخواهم که در تأمین آن، به زحمت بیفتد.» حضرت زهرا علیها السلام فلسفه ازدواج را درک کرده است. به همین دلیل، فقر حضرت علی علیه السلام در زندگیش تأثیری ندارد و از علاقه‌اش به او نمی‌کاهد. اگر این فلسفه و هدف اصلی برای زن و مرد جامعه ما

مطرح می‌کند، غفلت ورزیده‌ایم و آن حقوق اخلاقی زوجین است. بحث حقوق اخلاقی، حقوق قانونی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. متأسفانه با افراط‌هایی که شده، اکنون بیش بر حقوق قانونی اصرار می‌شود. نتیجه طبیعی اینها هم این است که زن به مرد می‌گوید: «من با تو فرقی ندارم؛ می‌توانم برای تو لباس نشویم، اگر این کار را می‌کنم بر تو منت دارم. می‌توانم بدون دستمزد برایت غذا نپزم.» طرح چنین مسائلی آن لطافت و زیبایی همراه با فداکاری را که باید در خانه حاکم باشد، از بین



تجمل پرستی و هم‌چشمی‌ها از جمله بزرگ‌ترین مشکلاتی است که در نتیجه عدم توجه به فلسفه اصلی ازدواج در خانواده‌ها بروز می‌کند. اگر بخواهیم خوب ریشه‌یابی کنیم و تحلیلی درست ارائه دهیم، می‌بینیم زنی که بر این مسائل تکیه دارد و با شوهرش اختلاف پیدا می‌کند یا مردی که بر سر چنین مسائلی با زنش مشاجره می‌نماید، هر دو از هدف اصلی ازدواج غافل مانده‌اند.

فاطمه زهرا علیها السلام با چادر وصله‌دار زندگی می‌کرد. وقتی سلمان وصله چادر ایشان را

مطرح باشد، تمام مردم هم با قدرت به آن‌ها بگویند، چسرا ازدواج می‌کنید، پاسخی قانع کننده دارند. یکی از مشکلاتی که ما اکنون با آن دست به گریبانیم و خانواده‌ها را در معرض ازهم پاشیدن قرار داده این است که جامعه ما امروز در بحث رفتار زوجین با یکدیگر، بر حقوق قانونی آنها تکیه دارد؛ حقوقی که در دادگاه‌ها مطرح است؛ مانند: حق نفقه، مسأله طلاق، تعدد زوجات و مانند آنها. اما از مسأله‌ای که اسلام در کنار حقوق قانونی

می‌برد و زندگی به صورتی خشک، تابع ماده و تبصره قانونی در می‌آید. اینجاست که اگر مرد نتواند به حرف زن پاسخی قانع کننده بدهد، او هم مطابق قانون رفتار می‌کند و در نتیجه، محبت و عشقی بین آنها وجود نخواهد داشت.

در دستورات اخلاقی اسلام آمده است که وقتی مرد وارد خانه می‌شود، زن به استقبال او برود، به او سلام کند؛ وقتی مرد می‌خواهد



قرار دهیم. وقتی ما تحت عنوان «حقوق زن» یکسره می‌تازیم و گاز می‌دهیم، بدون اینکه ترمزی برای این کار در نظر بگیریم یا با فرمانی به آن جهت بدهیم، همین مشکلات در جامعه به وجود می‌آید. من تحقیقی داشتم در این زمینه که هر تحولی در دنیا به وجود می‌آید، در هر زمینه‌ای - چه در مسائل مذهبی یا اخلاقی و... - یا کارشناسانه است یا واکنشی. ما معمولاً در تحولات واکنشی ضرر می‌کنیم؛ مثلاً، در مذهب، عده‌ای در یونان پیدا شدند و گفتند: «کمال آدمی در ترک مطلق لذات حیوانی است.» آنها حتی ازدواج را مانع کمال به حساب آوردند. زنون ایالیایی، رواقیان و کلیبان مروج این طرز تفکر واکنشی بودند. یا مثلاً، در زمینه اقتصاد، در برابر مکتب خون آشام سرمایه‌داری (کاپیتالیسم)، مارکس و انگلس نهضت کمونیسم

پیش بهترین پزشکان ببرد؟ این قانونی است یا اخلاقی؟ مرد وظیفه دارد بر اساس قانون، نفقه همسر خود را بپردازد - غذای معمولی به خانه بیاورد. خودش هم می‌تواند در بیرون از خانه بهترین غذاها را بخورد، اما چه چیزی موجب می‌شود که او بهتر از آنچه را در بیرون می‌خورد برای خانواده‌اش فراهم کند؟ فقط اخلاق است که چنین حکم می‌کند. در احادیث اسلامی، در موارد زیادی، ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌فرمایند: «زن صالحه، زنی است که در غیاب مرد، هم عفتش را حفظ کند و هم مال شوهر را»^(۴) داشتن روحیه قناعت و صرفه‌جویی یک مسأله اخلاقی است. بسیاری از موارد دیگر وجود دارد که همه مربوط به همین جنبه است.

بنابراین، ما باید به جای اینکه مرد و زن را سمت قانون و مقررات خشک هدایت نماییم، آنها را با فداکاری، عشق، صمیمیت و لطافت آشنا کنیم؛ به زن بگوییم حسن سلوک داشته باش، به مرد هم بگوییم با محبت عمل کن.

دیدار:

چطور می‌توان نظام اخلاقی مطرح شده در روایات را در خانواده‌ها ایجاد کرد؟

استاد نبی صادق:

تمام تحولاتی را که می‌خواهیم در جامعه ایجاد کنیم، باید به منزله گاز ماشین بدانیم و در کنارش، یک ترمز و یک فرمان هم

از خانه خارج شود، زن او را بدرقه کند و مواردی از این قبیل که همه تکیه بر حقوق قانونی را از بین می‌برد. ما باید به خانواده‌ها، بخصوص زنان، بفهمانیم که حقوق قانونی مخصوص موارد استثنایی و حاد است. به عبارت دیگر، همچون دارویی مسکن و برای موارد جراحی است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است»^(۳). آیا این عبارت با طرح قانونی سازگاری دارد؟ آیا کسی می‌تواند در مقابل این سخن پیامبر ﷺ بگوید: تا پول ندهی لباس را نمی‌شویم؟!

اگر ما بتوانیم بین این دو حق (حق قانونی و حق اخلاقی) تکفیک قایل شویم و خانواده‌ها را به سمت ماده و تبصره قانونی سوق ندهیم و به آنها تفهیم کنیم که اساس زندگی زناشویی بر عشق و صفای زوجین است، نه ماده و تبصره قانونی، عمده اختلافات زن و شوهرها حل می‌شود. زن تشنه محبت است. مرد می‌تواند با محبت، دل او را به دست آورد. ما در قانون ندایم که اگر زن مریض شد، شوهرش حتماً او را به بهترین بیمارستان ببرد، فرش زیرپایش را بفروشد تا خرج دارو و درمان او را فراهم کند، تمام شهر را بگردد تا داروهای او را پیدا کند. ماده و قانون فقط می‌گوید: اگر زنی بیمار شد، مرد موظف است او را برای مداوا نزد پزشک ببرد. این چه چیزی است که مرد را به جای اینکه همسرش را بیمارستان دولتی سطح پایین ببرد، وادار می‌کند تا او را

را به راه انداختند. در مسأله زن نیز همین طور است.

اگر ما مطالعه‌ای داشته باشیم درباره نهضت پیامبر ﷺ نظام جاهلی انجام داد و زن را که در اسارت بود به عزت رساند، می‌بینیم که نه تنها مقام والایی به زن اعطا کرد، بلکه، در عین حال، ترمزهایی هم برای برخی از زیاده‌روی‌ها در نظر گرفت؛ مثلاً، به زن اجازه خروج از منزل بدون اجازه شوهر را نداد؛ فرمود: «زن مجاز است فقط برای شوهر خود آرایش کند» و مسائلی مانند اینها را مطرح ساخت. در قانون و رسانه‌های جمعی ما، وقتی از زن بحث می‌کنند، باید از نکات اخلاقی هم بحثی به میان بیاورند؛ فقط این طور نباشد که به زن بگویند: تو این حقوق را داری، می‌توانی چکار بکنی. اگر بخواهیم فقط به موارد قانونی عمل کنیم، زندگی خشک و بی روح می‌شود.

در همایشی که در دانشگاه علوم پزشکی تهران، در سال ۱۳۷۴ از سوی نماینده ولی فقیه، جناب آقای احمدی یزدی، برگزار شده بود، این نکته را به حاضران - که بیش‌ترشان خانم‌های دانشجو و استادان آنجا بودند - گفتم: «در برخورد با شوهرانتان زیاد روی مواد قانونی تکیه نکنید وگرنه آمار طلاق بالا می‌رود.» گفتند: چرا؟ گفتم: به این دلیل که وقتی خانم به شوهرش می‌گوید من لباس‌هایت را نمی‌شویم مگر اینکه پول بدهی یا اگر هم بشویم به تو احسان کرده‌ام، به غیرت و شخصیت شوهرش بر

می‌خورد. او هم می‌گوید: «بسیار خوب، من هم از نظر قانون اسلام، حق دارم هر وقت دلم بخواهد یک زن صیغه‌ای به خانه بیاورم! آن وقت زن چه می‌تواند بکند؟ مجبور می‌شود و به جای قانون، به اخلاق رجوع کند.» حاضران وقتی این مطلب را شنیدند تا مدتی کف می‌زدند.

باید وقتی از مقام و منزلت زن در رسانه‌ها صحبت می‌کنیم، در عوض بی‌جا بالا بردن او و مطرح کردن اختیارات قانونی‌اش، بگویم جوری زندگی کن تا مشکلی برایت ایجاد نشود، به او بگویم که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «وقتی مرد وارد خانه می‌شود، زن باید با هیئتی حسنه خود را بر او عرضه کند»^(۵) متأسفانه اینکه امروزه در جامعه ما آمار طلاق بالا رفته و در مقابل، آمار ازدواج کاهش پیدا کرده، فقط به دلیل مسائل اقتصادی نیست. ما پول‌دار زیاد داریم که ازدواج نمی‌کند، می‌ترسد با ماده و تبصره مواجه شود و لطافت و صمیمیتی را که می‌خواهد، در خانه نیابد.

بنابراین، باید با کار فرهنگی، این آموزش‌ها را به خانواده‌ها داد. رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات در این زمینه، مهم‌ترین رسالت را بر دوش دارند. (البته مرد نباید به زن ظلم کند، مرد حاکم مطلق خانه نیست، از آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴) هم سوء استفاده‌هایی شده است. ما اینها را قبول داریم، ولی این دلیل بر آن نمی‌شود که مشکلی بر مشکلات

یکی از مشکلاتی که ما اکنون با آن دست به گریبانیم و خانواده‌ها را در معرض ازهم پاشیدن قرار داده این است که جامعه ما امروز در بحث رفتار زوجین با یکدیگر، بر حقوق قانونی آنها تکیه دارد؛ حقوقی که در دادگاه‌ها مطرح است؛ مانند: حق نفقه، مسأله طلاق، تعدد زوجات و مانند آنها. اما از مسأله‌ای که اسلام در کنار حقوق قانونی مطرح می‌کند، غفلت ورزیده‌ایم و آن حقوق اخلاقی زوجین است.

اضافه کنیم. باید توجه داشته باشیم که پیامبر ﷺ برای آنکه جلوی ستم نسبت به زن را بگیرد، کارشناسانه به او میدان داد، نه به صورت واکنشی.

دیدار:

مراکز مشاوره‌ای و تربیتی، صدا و سیما و به طور کلی، مراکز فرهنگی چه شیوه‌هایی را باید در پیش بگیرند تا خانواده‌ها را از آسیب‌ها و بحران‌های موجود نجات دهند؟

استاد نبی‌صادقی:

همان‌طور که اشاره شد، متأسفانه امروز در صدا و سیما، ما بحث‌های اخلاقی مربوط به روابط زوجین کم‌تر مطرح می‌شود. در عین حال که آگاهی پیدا کردن زن و مرد به حقوق قانونیشان لازم است،

اطلاع از حقوق اخلاقی نیز ضرورت دارد.

ما در قانون مدنی کشورمان داریم که اگر دختر بخواهد با مردی ازدواج کند، ولی پدرش با او موافق نباشد، دختر می‌تواند به دادگستری شکایت کند. دادگستری هم پدر را احضار می‌کند و از او می‌خواهد ظرف مدت پانزده روز دلایل مخالفت خود را بنویسد. دستگاه قضایی این دلایل را بررسی می‌کند و اگر آنها را درست تشخیص نداد و مثلاً، به این نتیجه رسید که او از روی تعصبات قومی و فرهنگی جاهلانه مانع ازدواج آنهاست به دختر اجازه می‌دهد با مرد مورد نظر خود ازدواج کند. حال سؤال این

با منطق، پدر خود را قانع کند و از در اخلاق وارد شود. باید توجه داشت که استفاده از قانون مخصوص موارد حاد و استثنایی است. در شرایط عادی، زن و مرد هر دو باید فداکاری کنند. محبت و عاطفه زنان در خانه بسیاری از گره‌های موجود را می‌گشاید.

در حال حاضر، طبق آمار ارائه شده، بیش‌تر طلاق‌ها در میان طبقه با سواد و روشن‌فکر است. چرا؟ دلیل آن همین است که عرض شد. ما نمی‌گوییم نباید حقوق زن را به او تفهیم کرد، بلکه می‌گوییم، خارج از قاعده، فقط بر قانون تکیه کردن و

دیدار:

با توجه به جلسات مشاوره‌ای که در سال گذشته، با خانواده‌های کارکنان و دانش‌پژوهان این مؤسسه داشتید، عمده‌ترین مشکلاتی که در بین خانواده‌های این مجموعه وجود دارد چیست؟ راه کارهای مقابله با آن کدام است؟

استاد نبی صادقی:

معمولاً خانواده‌های افرادی که مستغرق در کسب علم یا کسب



مال‌اند به «فقر آنس» مبتلا هستند. فقر آنس مشکلات زیادی برای خانواده‌ها ایجاد می‌کند. زندگی زن و مرد و بچه‌های آنها تنها با پول و مادیات تأمین نمی‌شود. زن و بچه نیاز دارند در شبانه‌روز، به طور متوسط، یکی دو ساعت مرد خانواده پیششان باشد و با آنها صحبت کند. ما به وضوح، این موارد را دیده‌ایم که مثلاً، زنی می‌خواهد برای معالجه به بیمارستان برود. مرد می‌تواند به او بگوید این دوهزار تومان را بگیر، با

فراموش کردن اخلاقیات اشتباه است. باید همان کسانی که مثلاً، در رادیو یا تلویزیون حقوق قانونی زوجین را مطرح می‌کنند، بلافاصله پس از ذکر این حقوق، بگویند اما براساس روایات اسلامی، اخلاق زن در خانه با شوهر و بچه‌هایش باید چطور باشد، مرد باید با آنها چگونه برخورد کند. اگر از چنین روشی استفاده شود، اختلافات به حداقل می‌رسد.

است: آیا این دختر خانم که با چنین ازدواجی، همه پیوندهای عاطفی میان خود و پدر و مادرش را بریده، چگونه می‌تواند زندگی کند؟ اگر فردا با این شوهر اختلاف پیدا کرد، به کجا پناه خواهد برد؟ باید بدانند در هر شرایطی، این پدر و مادرند که تکیه‌گاه او هستند. پس بهتر است به جای مراجعه به قانون و دادگاه،

تا کسی تلفنی برو و برگرد. ولی معمولاً مشکل با این کار حل نمی‌شود. چه بسا، هیچ مشکلی وجود نداشته باشد، جز اینکه بخواهد شوهرش او را به بیمارستان ببرد. این همان فقر انس است که متأسفانه خانواده‌های افرادی که به مسائل علمی اشتغال دارند یا غرق در مسائل مادی‌اند به آن مبتلا می‌باشند. ما باید به چنین مردهایی بفهمانیم که درست است کسب علم بالاترین وظیفه است، ولی زن و بچه هم به مؤانست نیاز دارند. مردی که صبح تا شب گرفتار درس و بحث است و شب هم که به خانه می‌آید، می‌خواهد وقت خود را صرف مطالعه کند، خانواده او باید با چه کسی نیاز عاطفی خود را تأمین کنند؟ با چه کسی صحبت کنند؟ با چه کسی مزاح کنند؟ مشکل دیگری که در میان چنین خانواده‌هایی وجود دارد، این است که خانواده‌های افراد تحصیل‌کرده زیاد بر حقوق قانونی خود تکیه می‌کنند؛ مثلاً، مرد به زن خود می‌گوید: به هیچ وجه، حق نداری از خانه بیرون بروی، چون اسلام فرموده است: زن بدون اجازه مرد نباید از خانه خارج شود. رابطه زن را با خانواده‌اش قطع می‌کند. زن هم در ظاهر، تسلیم می‌شود و حرفی نمی‌زند، ولی در عمل، به دلیل قطع شدن این رابطه عاطفی، از هر مسأله‌ای ایراد می‌گیرد، در حالی که اگر شکلی منطقی به او بگوید مثلاً، چون در خانه پدرت فلان مسأله هست، به این دلیل به آنجا نرو، هیچ مشکلی پیش

نمی‌آید. سوء استفاده از حقوق قانونی مشکل‌آفرین است. درست است که از نظر فقهی، هر یک از زن و مرد، حقوقی دارند، اما باید توجه داشته باشند که در مواردی که به بن‌بست می‌رسند، باید از آنها استفاده کنند.

مسأله دیگر این است که اصلاً زن و مرد کاملاً مطلوب وجود ندارد. معمولاً مردها از نظر مذهبی و فهم، همان را از همسر خود انتظار دارند که خودشان هستند، زنان هم معمولاً همین انتظار را دارند. این یکی از اساسی‌ترین اختلافات بین این دو است، درحالی که زن و مرد از دو جنس هستند، شیوه تربیتی جداگانه‌ای داشته‌اند، از دو ویژگی وراثتی متفاوت بهره‌مندند، غدد مترشحه آنان دو جور کار می‌کند، در خانواده‌های گوناگونی پرورش پیدا کرده‌اند و ذوق سلیقه‌های جدای از هم دارند. بنابراین، طبیعی است که نظرات و خواسته‌هایشان مغایر همدیگر باشد. در مواردی که نظرات آنها مخالف با شرع نیست، چرا بر سر مسائل جزئی، با یکدیگر دعوا داشته باشند؟

دو نفر - زن و شوهر - پیش من آمده بودند، باهم دعوا داشتند. وقتی بررسی کردم، دیدم دعوای آنها بر سر مسائل جزئی است؛ مثلاً، درباره رنگ پرده دعوا دارند؛ یکی می‌گوید: پرده اتاق باید به رنگ آبی باشد. دیگری می‌گوید: باید به رنگ کرمی باشد. گفتم: من دعوای شما را حل می‌کنم؛ پرده‌ای بگیرید که زمینه آبی داشته باشد و

گل کرمی یا زمینه کرمی و گل آبی. هر کدام به هر رنگی که دوست دارید، نگاه کنید. بیش‌تر اختلاف خانواده‌های ما بر سر همین مسائل است. البته مردها باید قدری ذوقیات زن‌ها را در نظر بگیرند؛ آنها هم برای خودشان نظری دارند. اینکه مرد بگوید: «تو زن من هستی، هر چه من می‌گویم، بدون کم و زیاد باید اجرا کنی»، درست نیست.

دیدار:

با توجه به چند مشکلی که در این مجموعه بیش‌تر مبتلا به است، چه توصیه‌هایی کلی به خانواده‌ها دارید تا از این تنش‌ها در امان بمانند؟

استاد نبی‌صادقی:

توصیه کلی من این است که به محض اینکه اولین جرقه اختلاف زده شد، بلافاصله به مشاور مراجعه نمایند و راه درست را پیدا کنند. احساس عار نکنیم از اینکه - چون در مقام علمی بالایی هستیم - به مشاور مراجعه نماییم. ممکن است کسی در یک رشته علمی فوق‌دکتر هم داشته باشد، ولی در زمینه دیگری به مشاور نیازمند باشد. اولین جرقه اختلاف که در خانه زده شد، آتشی بر افروخته می‌گردد که نهال صفا، صمیمت و عشق را می‌سوزاند. این فکر را نکنند که من چه مقامی در جامعه دارم. انسان وقتی بیمار می‌شود، باید پیش پزشک برود، در هر مقامی که هست. اینها هم باید به

مشاور مراجعه کنند؛ مشاورى که او را قبول دارند. نگذارند که یک نقطه چرکى کوچک به بيمارى بزرگى تبديل شود که قابل علاج نباشد. بيش تر مشکلات ما از همین قبيل است.

يکى از آقاىان یک بار به من تلفن کرد و گفت: «من سيزده سال است با زنم اختلاف دارم. اين مشکل زندگى ما را فلج کرده است. سه تا بچه هم دارم که برای وضع آنها زياد نگرانم. چه کنم؟» آنها را دعوت کردم، به خانه ما تشریف آوردند. خانم او را به اتاق ديگرى راهنمايى کردم، اما مشغول صحبت بوديم که ديدم ناگهان، بدون توجه به اينکه من نامحرم هستم، با حالت پرخاش وارد شد، چادرش را کنار زد و گفت: «زير گلوى من را ببين.» نگاه کردم، ديدم، گواتر گلويش به قدر یک گلابى بزرگ شده است. گفت: «سيزده سال است که خون دل مى خورم.» وقتى ريشه يابى کردم، متوجه شدم، هنگام ازدواج، اين زن و شوهر وقتى با هم صحبت کرده اند، خانم ديپلم داشته، مرد هم به او گفته من هم ديپلم دارم، ولى بعداً معلوم شده که شوهرش تا مقطع راهنمايى درس خوانده است.

خانم معتقد بود شوهرش به او دروغ گفته و کلاه سرش گذاشته است. بنابراين، حقّه باز است. سيزده سال براساس همین بى اعتمادى نسبت به او زندگى کرده بود. خوشبختانه مرد بعداً درس خوانده بود و تا حد فوق لیسانس از

خانمش جلو زده بود. گفتم: شوهر شما الان در حد استاد من است. اگر چه قبلاً سطح سواد و مدرک تحصيلى اش پايين بوده، ولى حالا اين قدر پيشرفت کرده و خود را اصلاح نموده است. ديدم قبول نمى کند. گفتم: تو بايد خود را فدای اين شوهر بکنى؛ چون بهتر از او وجود ندارد. برای اينکه تو راضى شوى، حاضر شده تا اين حد درس بخواند. گفت: مگر دروغ حرام نيست؟ مگر کار حرامى نکرده است؟ گفتم: «دروغ حرام است»، اما او از بس به تو علاقه داشته، برای اينکه به وصال به تو برسد، حاضر شده حتى به جهنم برود، عاشق تو بوده است. آيا چنين شوهرى برای تو قيمت ندارد؟ کم کم آرام شد و خنديد. اگر همین دو نفر سيزده سال زودتر به مشاور مراجعه کرده بودند، پيش از آنکه اين بيمارى مزمن شود، ساده تر مى شد آن را معالجه کرد.

در روايات اسلامى، از امام صادق عليه السلام برای مشاور صفاتى تعيين شده که بايد داراى علم، عقل، تجربه، زهد و تقوا باشد. اينها در جای خودش محفوظ، ولى ما بايد از ابتدا موظف باشيم که اختلاف ايجاد نشود. وقتى هم ايجاد شد، اين خود زن و مرد هستند که بايد به فکر رفعش باشند و برای رفع آن به کارشناس مراجعه کنند. خوشبختانه اختلافات موجود در بين خانواده هاى اين مؤسسه بر سر مسائل اصولى نيست که مثلاً، در زمينه اعتقادات مذهبى، مانند حجاب، بحث داشته

باشند، بلکه بيش تر تفاوت سليقه و عدم اطلاع از مسائل اختلافى است و به راحتى، مى توان آنها را حل نمود. ■

۱- النبي ﷺ: «انّ ألبكارَ من النساءِ بمنزلةِ الثمرِ على الشجرِ فاذا ابيضَ الثمرُ فلا دواءَ له الا اجتناؤه والا افسدته الشمسُ و غيرته الريحُ و انّ الالبكارَ اذا ادركنّ ما تُدرِك النساءُ فلا دواءَ لهنّ الا البعولُ والا لم يؤمن عليهنّ الفتنة» (محدثقى مجلسى، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۳، روايت ۲۲، باب ۹)

۲- النبي ﷺ: «من تزوّج امرأة لا تيزوّجها الا لجمالها لم يرفيها ما يحب و من تزوّجها لمالها لا تيزوّجها الا وكله الله اليه فعليكم بذات الدين» (همان، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵، روايت ۱۹، باب ۳)

۳- النبي ﷺ: «جهاد المرأة حسن التّبعيل» (همان، ج ۱۰، ص ۹۹، روايت ۱، باب ۷)

۴- النبي ﷺ: «...و تخفطه اذ غاب عنها فى نفسها و ماله.» (يعقوب كلينى، اصول كافى، ج ۵، ص ۳۲۷، روايت ۱)

۵- امام الصادق عليه السلام: «... و عليها ان تطيب باطيب طيبها و تلبس احسن يثابها و تزين باحسن زينتها...» (همان، ج ۵، ص ۵۰۸، روايت ۲)

